

رویکردهای آموزش و پرورش در جهان جدید

رحیم میرشکاری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد شیمی آلی دانشگاه پیام نور
r.mirshekari1367@gmail.com

چکیده

جهان در سده‌های اخیر، شاهد رشد و توسعه‌ای سریع، گسترده و عمیق بوده‌است که تمام تغییرات هزاره‌های گذشته در برابر آن، اتفاقی کوچک و مختصر انگاشته می‌شود. این تغییرات در دهه‌های اخیر سرعتی بیش‌تر یافته‌است و چهره جهان را حتی نسبت به دو دهه پیش نیز با تغییرات اساسی مواجه ساخته‌است. این تحولات، موجودیت، ماهیت و کارایی بسیاری از نهادهای کهن را به چالش کشیده‌است و از جمله این نهادها، آموزش و پرورش است. آیا آموزش و پرورش هنوز می‌تواند با رویکرد شناخته‌شده و سنت‌شده گذشته‌اش به کار خویش ادامه دهد یا لازم است که رویکردهایی نوین متناسب با اوضاع جهان جدید اندیشیده و به کار گرفته شود؟ به رسمیت شناختن رویکردهای آموزشی متنوع، یکی از راه‌های اصلی خروج آموزش و پرورش ایران از وضعیت کنونی و شتاب گرفتن به سمت آینده روشن است. در آموزش و پرورش گذشته، همه دانش‌آموزان، فارغ از هرگونه تفاوت فردی، ملزم هستند در یک سیستم آموزشی یکسان، درس‌ها و دوره‌های یکسان را طی کنند و فارغ‌التحصیل شوند، حال آنکه در جهان جدید لازم است که تفاوت‌های فردی به رسمیت شناخته شود و همچنین آموزش بر اساس اهداف و اغراض متنوع و آنچه انتظار می‌رود، سامان‌دهی شود. جهان جدید، جهان تکثر است و این تکثر در همه ساحات زندگی و از جمله در آموزش و پرورش صدق می‌کند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود با توجه به اوضاع جهان جدید، رویکردهای متنوع آموزش و پرورش نوین با روش تحلیلی و توصیفی بررسی شود. یافته‌های این پژوهش، تأییدکننده ضرورت رویکردهای جدید و متنوع در آموزش و پرورش به تبعیت از تحولات جهان در عصر جدید است.

واژه‌های کلیدی: رویکردهای آموزش و پرورش، جهان جدید، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان

۱- مقدمه

آموزش و پرورش پس از طی کردن چندین هزاره و کسب تجربه‌های فراوان و پی‌افکندن قواعد و سنن تعلیم و تربیت مطابق با تجارب کسب‌شده از جهان قدیم، سرانجام در آستانه جهانی تازه قرار گرفته است که تلفیقی است از سرعت، تنوع، تکثر و مواجه شدن لحظه به لحظه با تازگی‌ها. جهان گذشته که جهانی با سرعت اندک و کمابیش همگن و یکدست بود، در درون خویش می‌زیست، حال آنکه جهان جدید به طور مداوم در حال گذر از خود و تأثیر و تأثر با جهان بیرون است و این ویژگی بر همه نهادهای اجتماعی و از جمله آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد. توسعه آموزش و پرورش در وسیع‌ترین معنی ضمنی آن، دیگر همانند گذشته از طریق تحریکات درون‌زا صورت نمی‌گیرد، بلکه نسبت به فشارهای بیرونی حساس‌تر شده است این آهنگ در طی دهه‌های آینده تحت تأثیر شماری از پیشرفت‌های عمده‌ای که نظرها فرهنگ، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق و کشورهای مختلف جهان را تغییر می‌دهد، بعدها رو به گسترش خواهد نهاد و برای تحقق آنها مشارکت هرچه بیشتر آموزش و پرورش مورد نیاز است. عوامل بسیاری در دهه‌های اخیر بر آموزش و پرورش تأثیر نهادند. این عوامل با کمک یکدیگر، بافت جدیدی را برای آموزش و پرورش فراهم می‌سازند که مسئولان برنامه‌ریزی و طراحی پیشرفت‌های بعدی نمی‌توانند آن را نادیده انگارند (ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵۱).

نخستین عامل در این زمینه، اجتناب‌ناپذیر بودن رشد دانش و اطلاعات است که تنها مشخصه آموزش و پرورش و یادگیری بوده و پیشرفت فرهنگی و علمی جوامع در بستر آن شکل می‌گیرد. عامل فوق‌بطور فزاینده‌ای در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی نفوذ می‌کند و یکی از ضرورت‌های اساسی اقتصادی و رقابت میان کشورهاست. این امر بطور اخص در کشورهای صنعتی پیشرفته قابل مشاهده است. اشباع اطلاعاتی جوامع امروزی که تحت سیطره رسانه‌ها قرار دارند، مشکلات جدیدی را برای مدارس پدید می‌آورد. مدارس دیگر تولید کننده و یا انتقال دهنده عمده اطلاعات نیستند، باید یاد بگیرند که چگونه از ارزش آموزشی اطلاعات پیرامون خود بهره‌برداری نمایند و چگونه توانایی تمایز قائل شدن میان انبوه منابع اطلاعاتی را که هر روز دانش آموزان در معرض آن قرار می‌گیرند در آنان ایجاد نمایند (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۱۵).

دومین عامل، تغییرات فن‌آوری است که با آهنگ شتابان ادامه خواهد یافت. میزان این تغییرات در مناطق مختلف جهان یکسان نیست، اما در همه جا تأثیر روزافزون را بر تمامی ابعاد زندگی برجای می‌گذارد. خصوصاً این که پی‌ریزی مجدد ساختار اقتصادی را به پیش می‌راند و اغلب عواقب اجتماعی دردناکی را به بار می‌آورد که با تغییرات ملایم با آن در بازارهای کار، شرایط شغلی و مهارتی بویژه تحت تأثیر فن‌آوری‌های اطلاع‌رسانی فراوان و نقش مهم‌ترین که بخش خدمات در اقتصاد اشغال می‌نماید، عجین می‌گردد. در تمامی این موارد آموزش و پرورش نقش هدایت‌کنندگی دارد. آموزش و پرورش مهارت و تخصص را در کارگران ایجاد و به روز می‌سازد و این چیزی است که برای یک نیروی کار قابل انعطاف که باید توانایی پاسخگویی به تغییرات مداوم ناشی از پیشرفتهای فن‌آوری داشته باشد، ضرورت دارد. این نقش باید در ارتباط با محیط کار بیشتر عملی شود و میان تحصیل رسمی و آموزش و یادگیری حرفه محور که از ضروریات مبارزه با اشکال جدید بی‌سوادی کاربردی که دستاورد تغییرات تکنولوژیکی است، پیوندهای جدیدی ایجاد نماید (پورجاوید، ۱۳۹۹: ۴۱).

سومین عامل، تغییرات جمعیت است که در همه جا توزیع گروه‌های سنی را برهم زده است. در مناطق غیرپیشرفته جهان نرخ بالای زاد و ولد باعث رشد دایم افراد واجب‌التعلیم شده و یکی از اولویت‌های تامین آموزش پایه را به خود اختصاص داده است. در کشورهای پیشرفته‌تر، نرخ پایین‌تر موالید و تمایلی که تا همین اواخر وجود داشته است، باعث کاهش گروه سنی جوانان شده و این پدیده‌ای است که سرانجام در دهه‌های آغاز قرن بیست و یکم در قالب کاهش تعداد «گروه‌های فعال کاری» متجلی می‌گردد.

اما چهارمین عامل، وابستگی درونی کشورها است که رو به افزایش دارد. این وابستگی درونی ناشی از بی‌نظمی بازار، گسترش فن‌آوری‌های ارتباط جدید و جهانی شدن بازارهای مالی اقتصادی، فرهنگی و همچنین سیاسی است که نمونه آن در حرکت به سوی یکپارچگی اروپا تجلی یافته است. حوادث اخیر اروپا و جاهای دیگر که با پایان منازعات ایدئولوژیکی در پی مرگ کمونیسم مشخص می‌گردد، جنبش‌آنی رو به رشد این وابستگی درونی در وجوه چندگانه اش را مورد تأکید قرارداده

است. این وابستگی ها نشان داده اند که امنیت و خوشبختی هر منطقه و در واقع حفظ صلح در جهان، تا چه میزان به وجود شرایطی از این دست، در سایر مناطق بستگی دارد. این وابستگی ها بشریت را به یکدیگر نزدیک می سازد و این امر نه تنها بر تبادل و انتقال کالا و افراد بین کشورها تاثیر خواهدداشت، بلکه نتایج مهمترین را از جهت ایجاد تفاهم و تبادل بین المللی بیشتر و گشودن مرزها و ذهن ها در طولانی مدت در پی خواهدداشت. بدین ترتیب، آموزش و پرورش به عنوان عامل اصلی تفاهم و پیشرفت بین فرهنگی با چالش های مهم و جدیدی مواجه می گردد و این مسئله به همان میزان که بر وضعیت بین کشورها تاثیر دارد بر وضعیت درون کشورها نیز اثرگذار است. وجود جوامع چند فرهنگی در بسیاری از کشورهای سراسر جهان شاهد این ادعاست (پورجاوید، ۱۳۹۹: ۴۱).

دیگر عامل و عامل پنجم، این است که دل مشغولی های اجتماعی و مردمی جدیدی در حال پیدایش است و از آموزش و پرورش انتظار می رود که نقش فعالی را در رفع آن نگرانی ها ایفا نماید. نگرانی برای محیط زیست شاید مسئله ای باشد که بیش از هر چیزی در سطح جهانی احساس می شود و موضوعی است که آموزش و پرورش همواره در حساس نمودن کودکان و نوجوانان نسبت به مشکلات محیطی و روش های حل آنها فعالانه دخالت داشته است (خواجهمزاده، ۱۳۷۲: ۴۸).

۱-۱- بیان مسئله

بر اساس آنچه گفته شد، جهان جدید جهانی است که عوامل بسیاری را برای تغییر و تحول در همه نهاد های اجتماعی و از جمله در آموزش و پرورش فراهم آورده است. از دیدگاه برخی از محققان سازمان های آموزشی در عصر جهانی شدن دارای مشخصات ذیل هستند:

۱. بین المللی بودن: مدارس و سازمان های آموزشی جنبه محلی بودن خود را از دست داده اند و به تدریج باید ورودی های خود را از نقاط مختلف دنیا وارد کرده و خروج های خود را به بازارهای جهانی بفرستند. و این یکی از شروط بقای آن ها می باشد.

۲. نحوه رقابت جدید: امروز رقابت جنبه محلی و منطقه ای در نظام آموزشی ندارد بلکه رقابت معنای سنتی خود را از دست داده و جنبه جهانی یافته است و تکنولوژی در ایجاد این نظام جدید نقش عیدیه ای را بازی می کند.

۳. ارتباط الکترونیکی: کلیه سازمان های آموزشی از طریق شبکه های منسجم کامپیوتری زمینه ورود اطلاعات را به داخل سازمان و سپس به مشتری (دانش آموز، والدین و...) فراهم می آورند.

۴. سازمان های مجازی عمده: در عالم واقعیت مدارس و سازمان های آموزشی حضور فیزیکی خود را از دست داده و واحدهای تابعه و کارکنان آنها از طریق شبکه های کامپیوتری به یکدیگر متصل می شوند و با استفاده از نرم افزارها و سخت افزارهای ارتباطی، نظام مشارکت در اطلاعات و نظام مشارکت در نرم افزارهای عملیاتی می توانند ارتباط کامل با یکدیگر برقرار کنند. به طور کلی، در دنیای مجازی سازمان های آموزشی سرعت نوآوری افزایش می یابد، هزینه های نوآوری کاهش و دسترسی به دانش آسان تر می شود و نوآوری به سمت پیشرفت تدریجی و ابداعات کوچک رفته، ولی روند آن مستمر و پیوسته خواهدبود.

۵. اطلاعات به عنوان یک عامل و منبع مهم: اهمیت اطلاعات در عصر حاضر بر همگان مشخص است و انجام تمامی امور مبتنی بر کسب اطلاعات می باشد. در کشور ما بسیاری از کارها هنوز هم براساس تجربه و اندوخته ذهنی افراد انجام می شود. امروز زمانی است که باید برای انجام هر کاری و هر خدمتی اطلاعات کافی و لازم داشته باشیم تا بتوانیم به بهترین شکل ممکن آن را به انجام برسانیم. نظام های تعلیم و تربیت امروزه نظام های اطلاعات محوری هستند که کلیه فعالیتها و امور خود را تحت مطالعه و بررسی دقیق قرار می دهند و از آزادی عمل بیشتری برخوردارند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰).

بر اساس آنچه گفته شد، در دهه های اخیر و به ویژه در یک دهه اخیر با عوامل و ویژگی های تازه های در جامعه و آموزش و پرورش مواجهیم که اندیشیدن و به کار گرفتن رویکردهای نوین را در آموزش و پرورش، ضروری می سازد و در این مقاله به بررسی این رویکردهای متنوع و تازه پرداخته می شود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه رویکردهای آموزش و پرورش در جهان جدید، تحقیقات چندانی صورت نگرفته است و از این جهت، پژوهش حاضر را می‌توان در زمره تحقیقات نوین به شمار آورد. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته درباره رویکردهای نوین آموزش و پرورش در جهان جدید همراه با مشخصات و چکیده‌ای از مطالبشان عبارتند از:

- چاکرزی، عمر. (۱۴۰۰). «رویکردهای نوین در مدیریت آموزشی با چالش‌های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن». مجله رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. شماره ۸۲، صص ۱-۱۶. در چکیده این مقاله می‌خوانیم: مدیریت در زندگی بشر یک پدیده نو ظهور نیست بلکه عمر آن به درازای عمر تاریخ بشری است. انسان در یک پیوستار تاریخی از زندگی انفرادی به زندگی قومی و از زندگی کشاورزی به حیات مدرن صنعتی و در نهایت به زندگی پیچیده امروزی به نظریه‌ها و رویکردهای جدید در مدیریت پا نهاده است. پلیته معتقد است که در سال‌های اخیر کمتر وظایفی به اندازه وظایف مدیر مدرسه مورد سوال واقع شده است. در حقیقت به موزات اصلاحات و تقویض اختیارات بیشتر به مدیران مدارس، وظایف و مسئولیت‌های آنان سنگین‌تر و چالش‌ها بیشتر شده، در حالی که منابع محدودتر از گذشته است. مدیریت مدرسه در حال حاضر، گسترش بیشتر مهارت‌ها، دانش و معلومات وسیع و هویت حرفه‌ای مدیر را می‌طلبد. مدیران مدارس باید بتوانند جامعه محلی را به همکاری و همیاری بطلبند، مدرسه را به صورت مشارکتی رهبری کنند، میانجیگری تنش‌ها بشوند، برانگیزاننده و مشوق رشد حرفه‌ای معلم‌ها و از همه مهم‌تر عامل تغییر در مدرسه باشند. تغییر موقعیت و انتظارات از مدیر مدرسه کار برنامه‌ریزان آموزش مدیران را تحت الشعاع قرار داده و آنان را به تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی و آماده‌سازی مدیران وا می‌دارد. به همین سبب است که در بسیاری از کشورها شاهد تهیه برنامه‌های جدید و تجدید نظر در برنامه‌های سنتی آموزش مدیران هستیم و گروه‌ها و کمیسیون‌های بی‌شماری به بررسی و ارائه پیشنهادها برای تهیه راهکارهای متناسب با نیازهای نظام آموزشی پویا و اثربخش می‌پردازند. پدیده جهانی‌شدن از بحث‌برانگیزترین مسایل روز جهان به‌شمار می‌رود. پدیده‌ای که در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و مرزهای جغرافیایی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد، منافع مردم و کشورها را بیش‌از پیش به هم تنیده کرده و علاوه بر کالا و خدمات، افکار و دانش بشری را نیز آسانتر و بی‌حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌کند.

- پورجاوید، سهیلا. (۱۳۹۹). «چابکی سازمانی راهبردی مهم در بهبود نظام آموزش عالی». مجله نخبگان علوم و مهندسی. صص ۵۷-۶۶. مطابق یافته‌های این پژوهش، مقوله چابکی سازمانی امروزه مورد توجه بیشتر دانشمندان علوم مدیریت قرار گرفته است و پیامدهای گسترده و قابل مشاهده‌ای در سازمان‌ها به ارمغان آورده است. چابکی سازمانی یکی از مولفه‌های تاثیرگذار بر عرصه بهره‌وری سازمانی است و سازمان‌هایی که دارای کارکنان، کانال کار، فرایند کار، مدیریت تصمیم‌گیری به موقع و اجرای عملیاتی سریع و چابک باشند، می‌توانند در مسیر موفقیت روز افزون گام بردارند امروزه همچنین موسسات آموزش عالی با واقعیت‌های جدیدی مواجه شده‌اند و باید به سمت استفاده از مولفه‌های چابکی به عنوان رهیافتی نوآورانه در مدیریت مراکز حرکت کنند. با توجه به اهمیت چابکی سازمانی در سازمان‌های امروزی، عوامل تاثیرگذار بر آن باید شناسایی شوند تا سازمان‌ها به مدد آن‌ها بتوانند به مقصود خود دست یابند. مقاله حاضر که به شیوه مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تهیه شده تلاش دارد ضمن بررسی مفهوم چابکی، به بررسی اهمیت و کاربرد آن در پیشبرد اهداف آموزش عالی پرداخته و به چابکی به عنوان راهبردی در جهت همگام‌سازی این موسسات با تغییرات دنیای امروزی و مزیت‌های این مفهوم بپردازد.

- جهانیان، رمضان. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر». مجله علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج). شماره ۱۹، صص ۹۳-۱۱۶. یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش و پرورش آن است، این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق‌العاده است که هم‌ايزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می‌شود، در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظام‌های آموزشی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع عادی در قالب بودجه‌های دولتی و هزینه‌های شخصی، در این راه صرف می‌شود. به لحاظ همین اهمیت آموزش و پرورش که روزگاری یک مقوله مهجور در سیاست‌گذاری داخلی شناخته می‌شد، به تدریج در صحنه

ملی و بین المللی به بحث اصلی سیاست گذاری تبدیل شده است. با پذیرش رو به افزایش آموزش و پرورش به عنوان عامل راهبردی در بهبود توسعه ملی، موضوع بررسی و تحلیل سیاست های آموزش و پرورش کشور از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد، امری که این مقاله تلاش دارد در حوزه سیاست گذاری عمومی به آن بپردازد.

- ایران‌نژاد، پریسا. (۱۳۹۱). «طراحی چارچوب نظری مدل برنامه درسی معنوی در کتابهای درسی دینی دوره ابتدایی». مجله علوم رفتاری. صص ۴۱-۶۰. هدف از پژوهش حاضر طراحی و تدوین چارچوب نظری مدل برنامه درسی معنوی در کتاب های درسی دینی مقطع ابتدایی می باشد. جامعه آماری در مرحله اول شامل کلیه کتابهای درسی دینی دوره ابتدایی و در مرحله دوم شامل دانش آموزان مقطع ابتدائی شهر کرج است که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای، ۳۲۶ نفر به عنوان نمونه برگزیده شد. روش پژوهش در مرحله اول توصیفی از نوع تحلیل محتوا و در مرحله دوم از نوع تجربی بود. روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سوالی با ضریب پایایی ۰.۸۲ بود. در تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی و استنباطی آزمون T مستقل و یو من ویتنی استفاده شد. نتایج سوال های پژوهش عبارتند از: ۱- در مورد میزان توجه کتابهای درسی دوره ابتدایی به مولفه های معنوی بالاترین درصد (۷۲٪) به مولفه «اندیشمندی» و پایین ترین درصد (۳٪) به مولفه «هزینه روحی» اختصاص یافته است. ۲- الگوی مناسب برنامه درسی معنوی برای مقطع ابتدایی عبارتست طراحی الگویی بر اساس چهار مولفه جهان آگاهی، دیگرآگاهی، خودآگاهی و خداآگاهی از نظر کتاب قرآن که برای هر کدام به طور جداگانه، اهداف، محتوا، روش های تدریس و ارزشیابی تدوین شده است. ۳- عوامل معنوی در دو گروه آزمایش و کنترل متفاوت است ولی این مهارت ها در دو جنس یکسان است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

جهان جدید، جهان تغییرات شگرف وسیع است که همه ساحات و نهادهای جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است و از جمله این نهادها، آموزش و پرورش است. در سایه این تغییرات سریع، ضروری است که آموزش و پرورش، رویکردها و راهکارهای تازه‌ای بیندیشد و اجرا کند و از آنجا که آموزش و پرورش بر رشد و توسعه جامعه تأثیر مستقیم و تخطی‌ناپذیر دارد، بنابراین بحث از رویکردها و راهکارهای نوین آموزش و پرورش، بحثی است که بر همه جامعه موثر است و دارای ضرورت و اهمیت فراوان می‌باشد.

۱-۴- روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر، روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای است. توصیفی بودن روش تحقیق به توصیف و تبیین بنیان‌های نظری جهان جدید برمی‌گردد و تحلیلی بودنش به سبب بررسی راهکارها و رویکردهای آموزش و پرورش نوین است.

۲- بحث

۲-۱- جهان جدید، جهانی شدن و آموزش و پرورش نوین

جهان جدید با جهانی شدن ارتباط مستقیم دارد و این دو مفهوم در هم تنیده و موثر بر یکدیگرند. امروزه، تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند، در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند و رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری‌ها در تعلیم و تربیت از جمله دیدگاه حداکثری مبتنی بر خود یادگیری و چگونگی یادگیری (فراشناخت)، یادگیری فرایندمدار و مستقل موجب حرکت تدریجی در باز تعریف مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت شده است. علم، تدریس، معلم، شاگرد، محتوای درسی و مدرسه در حال احراز تعاریف جدید هستند. جهانی‌شدن و تغییرات سریع و وسیع رخ داده در جهان جدید، موجب شده تا در بسیاری از موارد مرزهای سنتی آموزش و فناوری‌ها از بین رفته و نیازمند آن است که دوباره تعریف شود. برای مثال از بین رفتن مرز بین دولت‌های ملی و جامعه جهانی، بین فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده آن، بین مدرسه و جامعه محلی، بین خانه و مدرسه، بین آموزش و کار، بین دنیای کار و مؤسسات یادگیری، بین آموزش رسمی و غیررسمی، بین برنامه درسی از قبل تنظیم شده و انتخاب‌های افراد، بین شاگرد و معلم، بین والدین و فرزندان آنها، بین انسان و ماشین و حتی بین رشته‌های مختلف، موجب شده تا چالش‌های عمده‌ای در آموزش ایجاد شود که

به منظور برخورد با آنها و انطباق با تغییرات پیش آمده، برنامه‌ریزان و مربیان آموزشی بایستی گام‌هایی فوری و متهورانه برای تجدیدسازمان آموزشی در تمامی جنبه‌ها و ابعاد بردارند و بدیهی است که غفلت از این کار به معنی سلب مسؤلیت به نفع جهانی‌سازی و جریان متولی آن است (هلیگارد، ۱۳۸۶: ۶۵). از مطالعه وضعیت موجود در آموزش و پرورش کشورمان می‌توان دریافت که در طول سالیان گذشته، تلاش موفقیت‌آمیزی برای شناسایی این چالش‌ها و مقابله با آنها به عمل نیامده و اگر هم کاری صورت گرفته جامع و کامل نبوده و نظام آموزشی کشور کماکان به روش سنتی خود اداره می‌گردد. چالش‌های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست. این دیدگاه‌ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندیهای آن اضافه و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌سازند. مباحثی که هم در میان پژوهشگران و اندیشمندان آموزش و پرورش در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح می‌باشد و هم نظر کارشناسان آموزش و پرورش، معلمان، والدین و جامعه را به خود معطوف ساخته است (کریمی، ۱۳۷۹: ۷۸).

۲-۲- دو گرایش اصلی آموزش و پرورش در جهان

آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم با چالش‌های متعددی بویژه در ارتباط با جامعه، اقتصاد و فرهنگ روبروست. در زمان ما در کلی‌ترین تقسیم بندی‌ها رویکردهای متفاوتی را می‌توان در سیاستهای آموزش و پرورش کشورها مشاهده نمود. رویکرد نخست هدف از آموزش و پرورش و فرایند یاددهی و یادگیری را در محدوده دست‌یابی به نتایج و بهره‌دهی بهتر و قابل‌سنجش در کار آموزش و پرورش، از راه علمی کردن هرچه بیشتر مبانی آن می‌داند. در این گزینش سعی می‌شود آموزش و پرورش هرچه بیشتر به علوم تجربی نزدیک شود و در این میان نسل جدید به منزله ابزاری برای تامین اهداف از پیش تعیین شده جامعه پرورش یابند (خواجه‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۸).

اما در رویکرد دوم هدف نظام آموزش و پرورش دستیابی به شناختی کلی از انسان به عنوان یک واحد زیستی، روانی-اجتماعی-تاریخی و در حال رشد است که تمامیت خویش را زمانی تحقق می‌دهد که همه ابعاد او از نظر جسمی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی و ... به طور یکپارچه مورد توجه قرارگیرد. برای این که یادگیری و آموزش در زندگی انسانها بویژه کودکان و نوجوانان ارزش معناداری داشته باشد. نه فقط باید در فرایند رسمی یادگیری-یاددهی، یادگیری مهارتها به صورتی که معمولاً انجام می‌شود، صورت گیرد بلکه فراتر از آن، باید به تشکیل شخصیت آنان و شکل دادن به ارزش‌های انسانی مرتبط گردد. به عبارت دیگر، آموزش باید به فرهنگ توسعه انسانی تبدیل شود یعنی اقدام انسانی مبتنی بر ارزش‌ها که توانایی اخلاقی، روحی و فکری را برای حل مسائل توسعه به صورت انسانی درآورد (همان: ۴۹).

۲-۳- مهم‌ترین رویکردهای آموزش و پرورش نوین

رویکردهای مختلف آموزشی به ویژه در یکصد سال گذشته مورد توجه اندیشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است و هم‌اکنون مدارس پرشماری در سراسر جهان وجود دارند که هر کدام براساس یک رویکرد خاص آموزشی اداره می‌شوند.

۲-۳-۱- رویکرد انسان‌گرا

این رویکرد را در حوزه آموزش پرورش به طور ویژه معلمی آلمانی با نام یوهان هانریش پستالوزی معرفی و در عمل، اجرا کرد و به آن شهرت و اعتبار بخشید. در زندگینامه آلبرت اینشتین آمده است که او در دو مدرسه رسمی روزگار خود نتوانست دانش آموز موفق باشد و اخراج شد. در آن زمان، مدرسه ای در مرز سوئیس و آلمان تاسیس شده بود که با رویکرد «انسان‌گرا» و بر مبنای دیدگاه‌های «یوهان هانریش پستالوزی» (۱۷۴۶-۱۸۲۷) اندیشمند تربیتی، اداره می‌شد. این مدرسه برخلاف رویکردهای متداول و رسمی آموزشی، بر تفاوت‌های فردی و احترام به فردیت کودکان تأکید داشت و دانش‌آموزان در اداره مدرسه رای داشتند. بازی و طبیعت نیز دو رکن دیگر این مدرسه بود. اینشتین که در دو مدرسه قبلی، به عنوان «شاگرد تنبل» تحقیر می‌شد. در مدرسه جدید که با رویکرد انسان‌گرا اداره می‌شد، شکوفا و در نهایت یکی از دانشمندان بزرگ تاریخ شد. کلاس درس پستالوزی، ظاهراً بی‌نظم بود، اما دانش‌آموزان در آن راحت بودند و می‌توانستند در کنار درس خواندن، کشف کنند. آموزش و پرورش، نه تنها باید در همه شهرها، بخشی از مدارس دولتی را به رویکردهای مختلف آموزشی اختصاص دهد،

بلکه باید تأسیس مدارس غیردولتی را نیز منوط به این کند که هرکدام در یک رویکرد جدید و تعریف شده، دانش آموز بگیرند. در رویکرد انسان‌گرا، دانش‌آموز در محور همه چیز است و به جای تنبیه و گاه حتی تحقیر او، در پی کرامت بخشیدن به او هستند و اجازه می‌دهند که استعدادهای خویش را به نمایش گذارد و کشف کند و توسعه بخشد (کریمی، ۱۳۷۹: ۷۷).

۲-۳-۲- رویکرد عمل‌گرایی و تمثیل‌گرایی مونته‌سری

در این رویکرد که به نام بنیانگذارش، ماریا مونته‌سری (۱۹۵۲-۱۸۷۰م) نامیده می‌شود، بازی، اسباب بازی و استقلال عمل کودکان، رکنهای اساسی هستند. به عنوان مثال، به جای اینکه معلم، روی تخته حروف الفبا را بنویسد و یک‌یک به بچه‌ها معرفی کند، حروف الفبا را که با چوب درست شده‌اند در میان وسایل بازی بچه‌ها قرار می‌دهد و بدین ترتیب حروف الفبا تبدیل به اسباب بازی می‌شوند و کودکان بعد از مدتی در طول فعالیت‌ها و بازی‌های روزانه، حروف الفبا را می‌آموزند. جالب اینجاست که اگر از این کودکان بپرسید: «چه کسی حروف الفبا را به شما یاد داد؟» خواهند گفت: «هیچکس، خودم یاد گرفتم». رویکرد مونته‌سری را می‌توان رویکردی تمثیل‌گرا و عمل‌گرا دانست که به جای انتقال نظری مفاهیم به دانش‌آموزان، بر آن است که این مفاهیم را تبدیل به شکل و تصویر کند و آن‌ها به صورت عملی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۱۵).

۲-۳-۳- رویکرد نمایش‌گرایی والدروف

رویکرد نمایش‌گرایی در آموزش و پرورش به افتخار و یادبود یک نیکوکار آلمانی، با نام والدروف شناخته می‌شود. والدروف، یک کارخانه‌دار آلمانی و نیکوکار و بشردوست بود که از یک صاحب نظر آموزشی به نام درودلف اشتاینر خواست که با هزینه او، مدرسه‌ای غیردولتی تأسیس کند که در آن، دانش‌آموزان به معنای واقعی کلمه، انسان و مسئول بار ببینند. در مدارس والدروف، هنرهای نمایشی جزء برنامه‌های اصلی مدرسه است و سعی می‌شود مفاهیم درسی از طریق نمایش و بازی‌های نمایشی منتقل شود. در این رویکرد، هنر، اخلاق، کشف خویشتن، ارتباط آموزه‌های مدرسه با آنچه دانش آموز در زندگی واقعی تجربه می‌کند و مهارت‌های حسی حرکتی، عناصر اصلی آموزش را تشکیل می‌دهند و نیمی از توان و زمان مدرسه صرف این امور می‌شود و نیم دیگر به آموزش‌های رسمی. بسیاری از اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش، رویکرد والدروف را تا آن حد مهم می‌دانند که برا آنند برای رسیدن به صلح جهانی باید رویکرد والدروف را گسترش داد، چرا که فارغ التحصیلان آن، انسان‌های مهربان، مسئول و صلح‌طلبی هستند. رویکرد والدروف یکی از پر طرفدارترین رویکردهای آموزشی جهان است و می‌توان آن را به صورت ترکیبی با دیگر رویکردها در نظام نوین آموزش و پرورش ایران نیز به کار بست (پورجاوید، ۱۳۹۹: ۴۲).

۲-۳-۴- رویکرد رژیو امیلیا، مدرسه بی‌دیوار

آیا می‌توان مدرسه‌ای ساخت که در کمال شفافیت باشد و روابط دانش‌آموزان با هم و با معلمان و مدیرانشان، بدون دیوار یا با دیوارهای شیشه‌ای باشد؟ رویکرد مدرسه بی‌دیوار را به افتخار شهری در ایتالیا، رویکرد رژیو امیلیا می‌نامند. رژیو امیلیا، نام شهر کوچکی در ایتالیا است. بعد از جنگ جهانی دوم، مردم آنجا بقایای ادوات جنگی که در اطراف شهر مانده بودند را فروختند و پول خوبی نصیبشان شد. آنها درباره نحوه خرج کردن پول با یکدیگر مشورت کردند؛ مردان می‌خواستند سینما بسازند، ولی زنان ساخت مدرسه را پیشنهاد کردند. در رأی‌گیری نهایی، زنان برنده شدند و پول در اختیار آنها قرار گرفت تا مدرسه را بنا کنند. در اثنای ساخت مدرسه، معلمی به نام لوریس مالاگاتسی به آنها پیوست و با پذیرفتن مسئولیت آموزش کودکان، ایده‌های خلاقانه خود را در مدرسه جدید اجرا کرد. رویکرد رژیو امیلیا، هم کودکان پیش‌دبستانی را شامل می‌شود و هم دبستانی‌ها را. در این رویکرد، هر چند کودکان بر اساس سنشان تفکیک می‌شوند، ولی عملاً در مدرسه رژیو امیلیا، تفکیک سنی وجود ندارد و کودکان در تمام ساعات حضور در مدرسه، می‌توانند آزادانه حرکت و در فعالیت‌های مختلف مشارکت کنند. حتی برنامه هر روز هر گروه از کودکان، در ابتدای صبح با همفکری آنها و مربی‌شان تعیین می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹: ۷۶).

در این مدارس که فقط باید در یک طبقه ساخته شوند، بین کلاسها حداقل دیوار وجود دارد و تفکیک فضاها، با شیشه‌های نشکن صورت می‌گیرد. مدارس، آتلیه‌ای در مرکز محیط دارند که در آن به فعالیت‌های خلاقانه با استفاده از رنگ و نور و... پرداخته می‌شود. مربیان در تمام طول روز، کودکان را زیر نظر دارند و همه رفتارهای آنان را در فرم‌های ویژه‌ای ثبت و

مستندسازی می کنند. این فرم توسط مربیان و روان شناسان و گاه با حضور والدین بررسی و برای مشکلات احتمالی راهکار اجرایی داده می شود. چون کودکان در این روش، فعالیت آزادانه دارند، کشف استعدادهایشان نیز به موقع صورت می گیرد (همان: ۷۷).

۲-۳-۵- رویکرد ویکو، آموزش و درآمدزایی

این رویکرد ویژه کودکان فقیر است که توسط فردی به نام دیوید ویکرد بنا شده است تا آنها را برای استقلال مالی و نیز ورود به حیطه های مدیریتی آماده کند. کشورهای که حاشیه نشینی و تجمع توده های فقیر در مناطق مختلف را دارند، می توانند با استفاده از این رویکرد و روشهای آن، دانش آموزان فقیر را آموزش دهند. در این رویکرد، کودکان درس علوم تجربی با کاشت صیفی و سبزی یا با ساختن کاردستی و مصنوعات ساده در عمل می آموزند و دیگر درس هایشان نیز تلفیقی از نظر و عمل است و پیوند علم و ثروت را بخوبی برقرار می نماید. دانش آموزان این مدرسه، دانش نظری را با خلاقیت عملی در می آمیزند و به سازندگان و تاجرانی موفق بدل می شوند (ایران نژاد، ۱۳۹۱: ۵۳).

۲-۳-۶- رویکرد مدرسه سبز

در این رویکرد، مدرسه در دل طبیعت قرار دارد و همه مصالح ساختمانی آن (از مواد طبیعی ساخته شده اند و کودکان با گیاهان و حیوانات در محیط مدرسه آشنا می شوند. معروف ترین مدرسه سبز جهان در بالی اندونزی قرار دارد که «جان هاردی» کانادایی در ۲۰۰۸ آن را ساخته است و هم اکنون پذیرای ۳۶۰ دانش آموز کل جهان است که عمدتاً آمریکایی و کانادایی اند. این مدرسه در محیطی کاملاً طبیعی ساخته شده است، کلاس های درس دیوار ندارند و به نوعی یادگیری همراه با الهام از طبیعت انجام می شود. در این مدرسه کاملاً سبز، همه موارد به صورت عملی انجام می شود تا به دانش آموزان در کنار یادگیری دروس، پایداری جهان هم آموزش داده شود. یکی از پروژه های این مدرسه، عدم دسترسی آسان به آب است تا برای مدتی دانش آموزان با نحوه زندگی برخی افراد، در بعضی از نقاط جهان که دسترسی کافی به آب ندارند آشنا شوند. سرویس اتوبوس مدرسه نیز با استفاده از سامانه اتوبوس سبز یا اتوبوس زیستی استفاده می کند که با گاز متان کار می کند و این گاز با پردازش فاضلاب و فضولات غذایی تولید می شود. البته در زمان پالایش، بوی این ضایعات از بین رفته و گاز بدون بوی متعفن مواد اولیه است و از روغن پخت و پز در آن استفاده می شود که از این طریق، میزان انتشار گاز دی اکسید کربن را تا سه و نیم تن در ماه کاهش می دهد. ماهانه نیز ۹۰۰ کیلوگرم زباله جمع آوری شده و از ریختن در آب و سوزاندن آن جلوگیری می شود. ۲۰ درصد انرژی مصرفی در این مدرسه از طریق انرژی خورشیدی فراهم می شود. کلاس ها و مواردی مانند تخته مدرسه از چوب بامبو تجزیه پذیر ساخته شده اند و سیستم فاضلاب مدرسه کمپوست می شود. مدارس سبز امروزه در جهان در حال توسعه سریع هستند و بسیاری از کشورها در حال تجربه کردن آن می باشند و جا دارد که در ایران نیز این تجربه موفق سودمند، تکرار شود (رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۱).

نتیجه گیری

جهان در قرن اخیر با سرعتی شگرف پیشرفت کرده و تغییر نموده است. در این تغییرات، چهره جهان به طور اساسی متحول شده است و بسیاری از نهادهای دیرینه اجتماعی با چالش کارکرد و گاه حتی چالش وجودی مواجه شده اند. آموزش و پرورش نیز از این تغییرات و تحولات برکنار نمانده است و شیوه های سنتی آموزش و پرورش که هزاران سال وجود داشتند و به کار می رفتند، با چالش مواجه شدند و اندیشمندان، راه ها و رویکردهای تازه ای را برای خروج آموزش و پرورش از بن بست ارائه کردند. آموزش و پرورش به عنوان نهادی پیش رو که با تعلیم و تربیت نسل آینده جامعه سر و کار دارد، با در پیش گرفتن رویکردهای نوین می تواند در جهان جدید نقش پررنگ تری بازی کند. رویکردهای نوین آموزش و پرورش، هر کدام بر اساس نیازی در جهان جدید طراحی و اجرا شده اند و اغلب نیز مراحل آزمون و خطا را پشت سر نهاده و توفیقاتشان مشخص شده است. در این مقاله ضمن بررسی پیشینه ای از تحقیقات مربوط به رویکردهای نوین آموزش و پرورش، مهم ترین رویکردهای آزمون شده آموزش و پرورش مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. رویکرد مدرسه سبز، مدرسه بی دیوار، مدرسه نمایش محور، مدرسه انسان گرا و دیگر رویکردهای نوین آموزش و پرورش، هر کدام می توانند به گونه ای به رشد و توسعه تعلیم و تربیت در

جهان نوین یاری رسانند و شکل ترکیبی آن‌ها و بهره‌وری از تجارب مثبت هرکدامشان بایی تازه در موفقیت‌های نظام آموزش و پرورش خواهد گشود.

فهرست منابع

- ایران‌نژاد، پریسا. (۱۳۹۱). «طراحی چارچوب نظری مدل برنامه درسی معنوی در کتابهای درسی دینی دوره ابتدایی». مجله علوم رفتاری. صص ۴۱-۶۰.
- پورجاوید، سهیلا. (۱۳۹۹). «چابکی سازمانی راهبردی مهم در بهبود نظام آموزش عالی». مجله نخبگان علوم و مهندسی. صص ۵۷-۶۶.
- جهانیان، رمضان. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر». مجله علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج). شماره ۱۹. صص ۹۳-۱۱۶.
- چاکرزی، عمر. (۱۴۰۰). «رویکردهای نوین در مدیریت آموزشی با چالش‌های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن». مجله رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. شماره ۸۲. صص ۱-۱۶.
- خلیلی شورینی، سعید. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: یادواره کتاب.
- خواجه‌زاده، محمد. (۱۳۷۲). انگیزش و تاثیر آن در رفتار. تهران: تربیت.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۸۵). تربیت دینی کودک. تهران: نهج.
- کریمی، یحیی. (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش. تهران: ویرایش.
- هیلگارد و همکاران. (۱۳۸۶). زمینه روان‌شناسی. ترجمه رضا براهنی. تهران: رشد.